

سیستم بانکی ما شبیه بیماری شده است که هرکس برایش نسخه‌ای می‌نویسد و به تدریج همه دکترها جوابش خواهند کرد! در حالی که در شرایط کنونی، بانکداری اسلامی جزو بخش‌های روبه‌رشد در بازارهای مالی خاورمیانه و دیگر نقاط دنیا همچون اندونزی و مالزی شناخته شده و از دیدگاه غربیان نیز اهمیت زیادی پیدا کرده است، چرا بانکداری بدون ربای ما به چنین وضع اندوهباری مبتلاست؟ گزارش‌های موثق حاکی از آن هستند که در طول ۲۰ سال گذشته، در حالی که ما در حال درج‌زدن بوده‌ایم، بانکداری اسلامی دیگران با بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار سپرده در بیش از ۵۰ کشور جهان فعال بوده و رشد چشمگیری داشته و بیش از یکصد نهاد بانکی اسلامی هم در این زمینه با سربلندی فعال بوده‌اند، و همه‌شان هم به خوبی کار می‌کنند، یعنی هم سود می‌برند و هم سود می‌رسانند و خدمات می‌دهند. پس چرا وضع ما چنین است؟

واقعاً کمی بیندیشیم و مسوولانه‌تر با موضوع برخورد کنیم.

طرح ارایه‌شده از سوی دکتر طهماسب مظاهری درباره تبعیت نرخ بهره یا نرخ سود بانکی از نرخ تورم، یکی از حرف‌های تازه‌ای است که چالش‌های فکری قابل توجهی را به دنبال داشته است. بازتاب‌ها و ارزیابی این طرح، موضوع ویژه این شماره از مجله است. بخوانید و برای شفای این مریض دعا کنید!

سردبیر

بازتاب‌های طرح ریسی جدید

مروری بر نظریات مخالف - وگاهی موافق - درباره اتصال نرخ سود بانکی به نرخ تورم

پیوند تازه

انتصاب طهماسب مظاهری به ریاست کل بانک مرکزی در ۱۴ شهریور امسال که فقط چند روز با سالگرد تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا فاصله داشت و هنوز هم مقارن هفته بانکداری اسلامی به حساب می‌آمد، بار دیگر گره پیوند او با سیستم بانکی را محکمتر کرد و دست تقدیر نشان داد که این هر دو به یک طالع زاده شده‌اند. بنابراین، اگر طالع این دو شهریورزاده مدد کند، چه خواهد شد!

دکتر طهماسب مظاهری که از مدت‌ها پیش شایعه انتصابش بر سر زبان‌ها افتاده بود، قبل از این انتصاب و در حالی که مدیرعامل بانک توسعه صادرات بود، به صورت‌های مختلف مقدمات خیز بعدی رافراهم می‌کرد و از جمله این مقدماتی‌ها، تهیه مقاله‌ای بود تحت عنوان "الگوی جایگزین برای نظام بانکی کشور" که در هجدهمین همایش بانکداری اسلامی در شهریور ۱۳۸۶ ارایه شد. وی در این مقاله نشان داد که نسبت به عملکرد نظام بانکی در بیست‌وچند سال گذشته انتقاد دارد و تجدیدنظر در قانون عملیات بانکی بدون ربا را ضروری می‌داند. وی عدم موفقیت بانک‌ها در این دوره را ناشی از عدم امکان ترکیب عملیات بانکی با عقود اسلامی دانسته و به همین علت، الگوی جایگزین خود را بر مبنای تفکیک عملیات

قرض الحسنه از عملیات مبتنی بر عقود سود اسلامی قرار داده است.

حرف تازه‌تر

اما حرف تازه‌تر مظاهری هنگامی به زبان آمد که حکم ریاستش بر بانک مرکزی صادر و ابلاغ شده بود. بنابراین، حرف تازه‌ترش رنگ و بویی مسوولانه‌تر و کاربردی‌تر دارد. در واقع، وی در این مرحله طرح وسیعتری را ارایه کرد که علاوه بر بحث‌های نظری راجع به ضرورت بازنگری در قانون عملیات بانکی بدون ربا، به ابعاد دیگر، از جمله ساختارها و روش‌های اجرایی سیستم بانکی نیز توجه کرده و به‌طور کلی، تحول در سیستم بانکی را در مدنظر قرار داده است. این طرح که به عنوان طرح ۱۵ گانه معروف شد، پس از مروری بر چگونگی شکل‌گیری قانون عملیات بانکی بدون ربا و اقدامات اولیه برای حذف ربا از عملیات بانکی، به شرح ویژگی‌های این قانون پرداخته و سازوکارهای قرض الحسنه، تجهیز منابع، اعطای اعتبارات و تسهیلات، عقود اسلامی، نقش بانک‌ها در بازار پول و بازار سرمایه، رابطه بانک با مشتریان و سپرده‌گذاران، اهمیت نظارت و ضعف امکانات نظارتی بانک‌ها، انحرافات نظری و عملی از مبنای بانکداری بدون ربا و... بسیاری از دیگر مسایل را تشریح

دکتر مظاهری با خوشبینی ادعا می‌کند که طرح جدیدش، بانک را در جای خود قرار می‌دهد و ثبات و رشد و آرامش را برای هر سه عامل سپرده‌گذار، بانک و مشتری فراهم می‌کند.

کرده و سرانجام با ذکر این مبتدای مقبول که "قراردادان هر چیز در جای خودش، عامل ثبات و استقرار است" با خوشبینی ادعا می‌کند که «این طرح، بانک را در جای خود قرار می‌دهد و ثبات و رشد و آرامش را برای هر سه عامل سپرده‌گذار، بانک و مشتری فراهم می‌کند.»

اتصال نرخ سود به نرخ تورم

بدیهی است که با توجه به موقعیت فعلی دکتر مظاهری، این ادعا به‌زودی در بوته آزمایش قرار خواهد گرفت و درجه صحت آن تعیین خواهد شد. اما بخشی از این طرح که فعلاً موردنظر است، ورود به بحث تورم و پیشنهاد متصل کردن نرخ سود بانکی به نرخ تورم است. دکتر مظاهری در آغاز این بخش می‌گوید: «فصل بعدی، وارد کردن پارامتر تورم و تعیین آثار آن در این گردش کار است.» بقیه این بخش را که مقدمه‌ای برای بحث‌های بعدی است، عیناً نقل می‌کنیم تا سوءتفاهمی ایجاد نشود:

۱-۱۳) ملحوظ کردن تورم با دو فرض مختلف می‌تواند عمل شود:

الف) صرفنظر کردن از کاهش ارزش پول توسط سپرده‌گذار با نیت خیر و کمک به نیازمندان و قصد قربت.

ب) طراحی تاثیر تورم و نحوه جبران آن برای سپرده‌گذارانی که مایل به حفظ ارزش پول خود هستند و قصد پرداخت وام بدون بهره دارند.

۲-۱۳) موارد مشمول بند "الف" براساس نظام قرض‌الحسنه رایج فعلی قابل انجام است. برای خالص کردن ماهیت این قرض‌الحسنه و در عین حال کاهش هزینه وام قرض‌الحسنه، پرداخت جایزه و قرعه‌کشی برای سپرده‌گذاران و کارمزد قرض‌الحسنه نیز از چهار درصد به دو درصد کاهش می‌یابد.

۳-۱۳) موارد مشمول بند "ب" برای تجهیز منابع برای پرداخت وام بدون بهره، تورم جاری محاسبه و اعمال می‌شود. مبنای جبران تورم، استرداد وام توسط وام‌گیرنده به اندازه ارزش وامی است که گرفته است. وام و قرض اگر مثلی باشد یا قیمی باشد، در هر حال، باید با شکل و ارزش اولیه‌اش به وام‌دهنده مسترد شود.

۴-۱۳) آنجا که در یک قرارداد قرض، مثل موضوع وام را نتوان ادا کرد، به بهترین وضعی که می‌توان معادلش را تعیین کرد، باید جبران شود.

۵-۱۳) در بررسی تاثیر تورم، اصل ثبات دیون و اصل تعدیل دیون مبنای طرح قرار می‌گیرد.

۶-۱۳) وصف مال یا کالای مورد وام، ملاک قرارداد وام است. قرض دادن چیزی که وصفش مقدر نیست، شرایط خاص

خودش را دارد و برای بازپرداخت آن وام، باید توافق متناسب با آن شرایط نمود.

۷-۱۳) در قرارداد وام، اگر کسی موجب کاهش ارزش مال یک فرد شود، نسبت به جبران خسارت وارده متعهد است. در یک شرایط تورمی، دولت‌ها عامل تورم هستند.

دولت‌ها از دو طریق عامل تورم هستند: اول، افزایش پول و نقدینگی برای نیازهای بودجه‌ای خود و تامین کسری بودجه؛ دوم، استقراض سیستم بانکی که از طریق خلق پول اضافه بر تولید، موجب تورم می‌شود.

۱۴) محاسبه تاثیر تورم و روش‌های جبران آن در قالب پنج صرفل زیر طراحی خواهد شد:

۱-۱۴) ارزیابی عامل یا عوامل ایجاد تورم.

۲-۱۴) ارزیابی میزان تاثیر هر عامل و شناخت سازوکار تاثیر آن.

۳-۱۴) تعیین شاخص‌های سنجش و فرمول‌های محاسباتی و سید کالا و خدمات مربوط به روش قیمت‌گیری.

۴-۱۴) تعیین مسوول پرداخت در هر مرحله.

۵-۱۴) نحوه وصول مابه‌التفاوت اتلاف مالیت از وام‌گیرنده و نحوه انتقال آن به سپرده‌گذاران.

۱۵) این روش موجب کاهش تورم و توجه بیشتر دست‌اندرکاران - اعم از دولت، سیستم بانکی، بانک مرکزی و مجلس شورای اسلامی - بر لزوم کنترل تورم و یافتن راه‌های کاهش آن و اقدام عملی برای حذف آن خواهد شد.

الگوی رفتار رسانه‌ای

همه کسانی که اهل "ارتباط" هستند، الگوی رفتار رسانه‌ای کسی مانند دکتر ابراهیم شبیانی، رییس‌کل سابق بانک مرکزی را برای متصدی این پست شایسته‌تر می‌دانند تا الگوی باز و خودمانی دکتر مظاهری را. آنان عقیده دارند که قلمرو مسایل اقتصادی، به‌ویژه سیاست‌های پولی، از جمله اسرار است و فقط پرده‌نشینان حرم امن اجازه ورود به آن قلمروها را دارند و هرگز هم نباید آفتابی شوند، اما دکتر مظاهری از جنس و رنگ دیگری است و انس و الفتش با مطبوعات و مردم را می‌توان از بی‌تکلفی‌اش در سلوک روزانه و موتورسواری‌ها تشخیص داد. او در جایی از همان طرح ۱۵ گانه‌اش درباره مردم می‌گوید: «مردم ما باهوش هستند و ماهیت پدیده‌های اجتماعی را درک و لمس می‌کنند. جلوه‌های ظاهری امور، آنان را از محتوا و ماهیت پدیده‌ها - حداقل برای مدت طولانی - غافل نمی‌کند. آنجا که ظاهر امری یا فعالیتی یا پدیده‌ای، با باطن و ذات آن تفاوت جدی داشته باشد، تفاوت‌ها و مغایرت‌ها را درک می‌کنند و به اشکال مختلف به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند؛ گاهی به شکل سکوت، گاهی به شکل لطیفه و مطایبه و گاهی به شکل

در یک شرایط تورمی، دولت‌ها عامل تورم هستند.

آیا طرح ۱۵ گانه دکتر مظاهری از ریشه خواهد خشکید یا ابترشده‌اش در لابه‌لای پرونده‌های هیات عامل بانک مرکزی بایگانی خواهد شد؟

انتقادهای اجتماعی در تاکسی یا مقالات علمی یا حتی به صورت طرح مساله و نظر یا خواست عمومی در منابر مطرح می‌شود.»

وی با چنان روحیه و چنین شیوه استدلالی، از بازکردن افکار و آرای خویش برای مردم و مطبوعات ابایی ندارد و به نظر می‌رسد که برخلاف سلف محترم، از روبروشدن با رسانه‌ها و افکار عمومی استقبال هم می‌کند. بنابراین، به‌زودی اجازه داد که نخستین کنفرانس خبری دوران ریاستش بر بانک مرکزی برگزار شود تا فرصتی برای طرح نظریات تازه باشد. گزارش‌هایی که از این کنفرانس منتشر شده، نشان می‌دهد که دکتر مظاهری ضمن پاسخگویی به پرسش‌های خبرنگاران، به صورت نسبتاً جامعی هم راجع به رابطه تورم با نرخ سود بانکی صحبت کرده و برای مقابله با شایعات معمول در حواشی جابجایی‌های حکومتی، در ابتدای سخنان خود به حساسیت‌زدایی پرداخته و گفته است: «طرح جایگزینی نرخ تورم به جای سود تسهیلات بانکی، جزئی از نظام موجود و قانون بانکداری بدون ربا بوده است و تقارن زمانی طرح این ایده با تغییر در ریاست کل بانک مرکزی "تصادفی" است.»

تورم را باید جبران کرد

سپس راجع به خود طرح می‌گوید: «بحث آن است که اگر کسانی، با نیت خیر، سپرده قرض‌الحسنه نزد بانک‌ها می‌گذارند که دنبال جایزه و سود نیستند، جایزه به آنها تعلق نگیرد. بانک هم با کارمزد خود که همان دو درصد و سقف کارمزد بانکی است، به متقاضیان وام قرض‌الحسنه بدهد. این مبلغ کارمزد هم رقابتی باشد، یعنی زیر سقف دو درصد کارمزد، بانک‌ها با یکدیگر رقابت کنند.» وی افزود: «اگر این کار تورم‌زا باشد، باید آن را جبران کرد. نحوه جبران تورم نیز فقهی و کارشناسی است. بحث‌های کارشناسی در این خصوص از مدت‌ها پیش با حضور اقتصاددانان در قالب کمیته اصلاح ساختار نظام بانکی در جریان است و در صورتی که این کمیته به نتیجه نهایی برسد، آن را به دولت اعلام خواهیم کرد.» وی در مورد دستاوردهایی که تاکنون فراهم آمده است، توضیح می‌دهد: «نتیجه بحث‌ها تاکنون این بوده که اگر کسی سپرده قرض‌الحسنه داشت و از آن محل به فردی وام قرض‌الحسنه داده شد و در شرایط تورمی نیز قرار داشتیم، جبران این تورم چگونه خواهد شد؟» وی در این لحظه با قاطعیتی امیدوارانه می‌گوید: «با یافتن پاسخی برای این سوال، نظام بانکی قوام می‌گیرد.»

دکتر مظاهری در پاسخ به این سوال که آیا جایگزین شدن نرخ تورم به جای نرخ سود بانکی، تصمیم رییس‌جمهور مبنی بر کاهش نرخ سود بانکی را نقض می‌کند؟ می‌گوید: «چنین چیزی صحت ندارد، ضمن این که چنانچه این طرح به تصویب برسد،

قطعاً تا پایان سال جاری شاهد اجرای آن نخواهیم بود.» اشاره وی احتمالاً به دور بعدی کاهش نرخ سود بانکی و تک‌رقمی شدن نرخ سود برای سال آینده است که از جمله اهداف رییس‌جمهوری است.

وام‌گیرنده، مدیون وام‌دهنده است

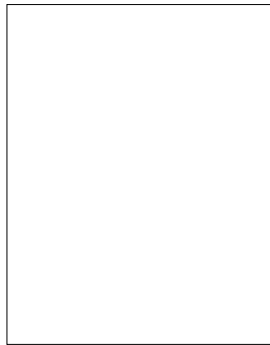
رییس‌کل بانک مرکزی در ادامه توضیحات راجع به این طرح گفت: «مبنای این طرح آن است که رابطه بانک با سپرده‌گذار و وام‌گیرنده باید در قالب قرض سامان داده شود. در این صورت، در قرارداد قرضی - به جای قرارداد عقود اسلامی - وام‌گیرنده مدیون وام‌دهنده است که عین یا قیمت و ارزش آنچه را وام گرفته، بازپرداخت کند.» به گفته وی: «اگر مبنای حالت مشارکت بین سپرده‌گذار یا وام‌گیرنده و بانک، به حالت قرض درآید، امکان پرداخت بهره وجود ندارد، چون ربا تلقی می‌شود و بانک‌ها برای وام قرض‌الحسنه نباید سود بگیرند و تنها مجاز به دریافت حداکثر دودرصد به‌صورت کارمزد خدمات بانکی هستند.» دکتر مظاهری درباره چگونگی ورود تورم به قراردادهای وام اضافه کرد: «در قرارداد قرضی، بحث تورم پیش می‌آید و این ایده مطرح است که پس از طراحی فنی و فقهی و تایید اصل آن، شاخص اندازه‌گیری تورم توسط بانک مرکزی طراحی می‌شود، شاخصی که غیر از رشد هزینه‌های خانوار باشد.»

وی سپس راجع به نقش دولت‌ها و سیاست‌های بودجه‌ای در ایجاد و رشد تورم توضیح داد و یادآور شد که «همه دولت‌ها، یکی از وجهه‌های هم‌مشان، کنترل تورم است و باید نرخ تورم در حد قابل‌قبولی باشد.» و بعد هم تاکید کرد: «البته تصمیم‌گیری در مورد نرخ مصوب تورم، به عهده دولت است و هر تصمیمی که دولت گرفت، بانک مرکزی باید برای جبران آثار آن چاره‌ای بیندیشد.»

تا اینجا حدود و ابعاد طرح تازه دکتر مظاهری و چگونگی اتصال نرخ سود بانکی به نرخ تورم روشن شد، و اما واکنش‌ها.

چه کسی تصمیم می‌گیرد؟

نخستین واکنش نسبت به این طرح، مربوط به دکتر حسین صمصامی است که دبیر کمیسیون اقتصادی دولت است. وی در ابتدای گفتگو با خبرگزاری ایرنا یادآوری می‌کند که سیاست دولت نهم، کاهش نرخ سود است و هر طرحی برای اصلاح نظام بانکی که به افزایش سود منجر شود، در این چارچوب نمی‌گنجد و قابل‌اجرا نیست. و در مورد ارزیابی و تصمیم‌گیری راجع به طرح رییس‌کل بانک مرکزی هم به صراحت گفت: «تصمیم‌گیرنده در این مورد، کارگروه اصلاح رفتار و ساختار بانکی است که ریاست آن را معاون اول رییس‌جمهور به‌عهده دارد و در مرحله نخست، باید ابعاد فقهی طرح رییس کل بانک



تقارن زمانی طرح این ایده با تغییر در ریاست کل بانک مرکزی "تصادفی" است.

تصمیم‌گیری در مورد نرخ مصوب تورم، به عهده دولت است و هر تصمیمی که دولت گرفت، بانک مرکزی باید برای جبران آثار آن چاره‌ای بیندیشد.

مرکزی بررسی شود و اجرای آن هم منوط به اجماع فقهی است، ولی هنوز اجماع فقهی در این مورد به دست نیامده است.» وی افزود: «پس از آن که اجماع فقهی حاصل شد، باید ابعاد نظری آن به لحاظ اقتصادی حل و فصل شود و صاحب نظران اقتصادی به بررسی آثار و پیامدهای آن بپردازند و البته قبل از انجام این موارد، باید دید که آیا طرح آقای طهماسب مظاهری در راستای سیاست‌های اقتصادی دولت نهم، یعنی کاهش نرخ سود بانکی قرار می‌گیرد یا خیر.»

پس راهی دراز و پردستانداز در انتظار رییس کل بانک مرکزی است، راهی که ابتدای آن سیاست‌های دولت نهم و انتهای آن هم سیاست‌های دولت نهم است و در بین این دو سر قطب همنام هم گروهی از فقها و کارشناسان و ملاحظات دیگر صف بسته‌اند. بنابراین، عبور از همین یک گردنه، نه تنها شش ماه، بلکه شاید شش سال طول بکشد! و طرح ۱۵ گانه از ریشه بخشکد یا ابتر شده‌اش در لابه‌لای پرونده‌های هیات عامل بانک مرکزی بایگانی شود.

مغایر قانون و شرع است

واکنش دیگر از سوی قوه مقننه بود، باز هم سرکش و بی‌امان. دکتر حسن سبحانی، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی، ایده رییس کل بانک مرکزی مبنی بر تبعیت نرخ سود بانکی از نرخ تورم را مغایر قانون عملیات بانکی بدون ربا دانست و به خبرنگار ایسنا گفت: «از آنجا که این ایده شرط دریافت مازاد به ازای قرض الحسنه محسوب می‌شود، مغایر با قانون و شرع است.» و سپس ضمن ابراز شگفتی از مطرح شدن ایده جایگزینی نرخ تورم به علاوه سه درصد کارمزد به جای نرخ سود بانکی مورد عمل فعلی بانک‌ها، گفت: «از نوع نگاه مسوولان نظام پولی به مسایل حساس پولی شگفت‌زده شدم. اگر قرار باشد در بخش‌هایی از حوزه اقتصاد، برخی از مسوولان کمتر صحبت کنند تا آثار صحبت‌شان به حوزه‌های اقتصادی شوک وارد نکند، به‌طور قطع، در رأس این مسوولان، مدیران بانک مرکزی قرار دارند.»

گهگاه بارقه‌ای از سکوت

همانطور که اشاره شد، برخی از اهل «ارتباط» جداً قایل به «کم‌گویی» رؤسای کل بانک‌های مرکزی هستند و به عنوان یک الگوی رفتاری شایسته و قابل تقلید در این زمینه، به آن گریزین استناد می‌کنند، مردی که ۱۸/۵ سال رییس فدرال رزرو بود و در آن جایگاه، هم نظام پولی ایالات متحده را اداره می‌کرد و هم به تعبیری، نظام پولی دنیا را، و در هر سال هم تنها چند دقیقه در برابر نمایندگان رسانه‌های گروهی آفتابی می‌شد، آنهم نه برای گوش دادن رازهای پرده‌نشینان، یا قصه‌گویی و رویاپردازی،

بلکه برای اطمینان دادن به فعالان اقتصادی که بازار پولی کشور صاحب دارد و همه چیز تحت کنترل است! بنابراین، اگرچه دکتر سبحانی از ساده‌گویی و صراحت دکتر مظاهری شگفت‌زده شده است، ولی جای تعجب نیست که دکتر سبحانی هم از «لزوم کمتر صحبت کردن مسوولان» می‌گوید و در رأس آنها هم مدیران بانک مرکزی را قرار می‌دهد. شاید او هم با پدر روحانی «سیدنی اسمیت» هم عقیده است که: «گهگاه بارقه‌ای از سکوت، گفتار را دلنشین می‌کند.»

مزاح اقتصادی

یکی دیگر از صاحب نظرانی که وارد این موضوع شده، ابراهیم امینی، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی است. وی تحت تاثیر گرایش‌های سیاسی خود و مناسبات خاص حزب اعتماد ملی با تیم دولت نهم، با نگاهی انتقادی به وعده‌های تبلیغاتی رییس جمهور مبنی بر تکریمی شدن نرخ سود بانکی طعنه می‌زند و چنین می‌آورد: «در فضای فعلی کشور، که شهروندان تورم سرسام‌آوری را احساس می‌نمایند و هر عقل سلیمی نرخ سود بانکی را تابعی از نرخ تورم می‌داند، [تکریمی شدن نرخ سود بانکی] غیرممکن می‌نمود، چرا که کاهش سود بانکی مستلزم کاهش نرخ تورم است و اگر تیم اقتصادی دولت نه تنها توفیقی در کاهش نرخ تورم نداشته باشد، بلکه روزبه‌روز نرخ تورم افزایش پیدا نماید، سخن گفتن از کاهش نرخ سود بانکی، به مزاح بیشتر شبیه است.»

وعده صفر

وی به سابقه چند ماه قبل و کشاکش بر سر تعیین نرخ سود بانکی در سال ۸۶ بازمی‌گردد و ادامه می‌دهد: «کاهش دستوری نرخ سود بانکی از سوی رییس جمهور، علیرغم مخالفت شورای پول و اعتبار و تیم اقتصادی وی که عملاً از سوی بانک‌ها جدی گرفته نشد و مخالفت رییس کل بانک مرکزی، فرصتی را فراهم نمود که آقای مظاهری، فارغ‌التحصیل عمران که تجربه وزارت اقتصاد و دارایی دولت قبل را در کارنامه خویش دارد، به تکریمی شدن نرخ سود بانکی هم اکتفا نکرده و با شعار و وعده «صفر» توجه همگان را به سوی خود جلب نماید و رییس جمهور هم برای تحقق آن، وی را بر مسند ریاست بانک مرکزی بگمارد، ولی پس از انتصاب، نه تنها از این شعار خود عقب‌نشینی نماید، بلکه فرمولی ارائه دهد که براساس آن، نه تنها سود بانکی کاهش نیافته، بلکه عملاً شاهد افزایش نرخ سود بانکی باشیم، فرمولی که براساس آن، به جای سود، بانک‌ها، نرخ تورم به اضافه کارمزد یک یا سه درصدی را از مشتریان خود مطالبه نمایند.»

دکتر سبحانی معتقد است که مدیران بانک مرکزی باید در رأس «کم‌گویان» قرار داشته باشند.

آقای مظاهری با شعار و وعده «صفر» توجه همگان را به سوی خود جلب کرد و رییس جمهور هم برای تحقق آن، وی را بر مسند ریاست بانک مرکزی گماشت.

انگور همان عنب است

و بعد برای تقویت مغز و محتوای نظریات انتقادی خویش، از ادبیات عرفانی وام می‌گیرد و می‌گوید: «این فرمول انسان را به یاد داستان "انگور" و "عنب" و "اوزوم" می‌اندازد که به دلیل عدم‌آشنایی فارسی‌زبان، عرب و ترک برای خرید قوت خودشان، با همدیگر دعوا می‌کنند و شخص عاقلی که برای پایان مشاجره دخالت می‌نماید و انگور را به آنها نشان می‌دهد، همه متوجه می‌شوند که خواسته‌هایشان یکی است، منتها به دلیل هم‌زبان نبودن، از درک مفاهیم همدیگر عاجزند.» سپس چنین نتیجه می‌گیرد: «فرمولی که از سوی آقای مظاهری مطرح شد، نه تنها به کاهش سود بانکی منجر نمی‌شود، بلکه به افزایش آن خواهد انجامید، ضمن آن که ایرادات اساسی دیگر هم به آن وارد است که امکان عملیاتی‌کردن آن در سیستم بانکی کشور وجود ندارد.»

شد غلامی که آب جو آرد

قطعه آخری مقاله انتقادی امینی هم برگرفته‌ای است از اندیشه‌های مولانا و اشاره به مصداق امروزی "شد غلامی که آب جو آرد - آب جو آمد و غلام ببرد". به نوشته وی: «علاوه بر آن، وظیفه و رسالت بانک مرکزی آن است که با اجرای سیاست‌های پولی، به صورت منطقی و کارشناسی شده، بر اسب سرکش تورم لجام زده و آن را مهار نماید، اما با اجرای چنین تئوری‌ای، برعکس، این تورم است که سیاست‌های پولی را به‌طور کامل تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و حکایت غلامی می‌شود که آمد آب ببرد، آب آمد و غلام ببرد.»

قابل بررسی است

اما حسن نوعی‌اقدم، عضو هیات‌ریسه مجلس شورای اسلامی، لحنی نرم‌تر و مدارایی‌تر دارد. به گفته وی: «ایده رییس‌کل بانک مرکزی قابل‌بررسی است و کارشناسان و صاحب‌نظران باید نظریاتشان را در این زمینه بیان کنند.» وی سپس به تفاوت در آرا اشاره کرد و افزود: «بسیاری از کارشناسان با تایید ایده مظاهری، آن را اجرا شده در دیگر کشورها می‌دانند، ولی برخی از صاحب‌نظران نیز انتقاداتی کرده‌اند، دلیل این موضوع نیز جدیدبودن این ایده است.» وی در ادامه گفتگو با خبرگزاری ایسنا، نظریات انتقادی یا گلوگاه‌هایی را که بر سر راه این طرح وجود دارند، موردتوجه قرار داد و گفت: «نرخ سود بانکی نمی‌تواند تثبیت شود، چرا که تورم در طول یک سال نرخ ثابتی ندارد؛ از آن گذشته، چالش اظهارنظرهای متفاوت مراجع چندگانه اعلام‌کننده آمار رسمی تورم نیز وجود دارد. پس این موضوع باید بررسی شود که آیا نرخ تورم موردنظر بانک مرکزی، مبتنی بر شاخص‌های خودش است یا شاخص سایر مراجع ذیصلاح نیز ملاک محاسبه قرار می‌گیرد؟»

ظرفیت فقها در حل مشکلات اقتصادی

و آخرین نظری که در این گزارش موردتوجه قرار می‌گیرد، مقاله‌ای است از علی مزروعی تحت‌عنوان "سود بانکی و نرخ تورم". وی در این مقاله از یک مقدمه انتقادی نسبت به ظرفیت‌های فقها در حل مشکلات اقتصادی جامعه آغاز می‌کند و می‌گوید: «بحث و اختلاف‌نظر بر سر این که پرداخت سود بانکی به سپرده‌ها در حد نرخ تورم موجود، ربا نیست یا هست، از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بین علما و فقها ادامه داشته و ظاهراً همچنان بدون نتیجه‌ای روشن ادامه دارد و طرح اخیر رییس جدید بانک مرکزی در این باره نیز به آن دامن زده است.»

تورم را دریاب!

وی پس از این انتقاد غیرمستقیم، به اصل نظر خود می‌پردازد که: «از آنجا که مرکز ثقل این بحث در شرایط اقتصاد ایران به نرخ تورم برمی‌گردد و در هر دو طرف سپرده‌گذار و وام‌گیرنده در مورد نرخ کارمزد بانکی چندان بحث و مناقشه‌ای وجود ندارد، از نظر این نویسنده، آنچه در همه بحث‌های مرتبط با سود بانکی مغفول مانده است، این است که چرا باید در اقتصاد ایران نرخ تورم دورقمی نهادینه شده به مدت ۳۰ سال تداوم داشته باشد که از زاویه تعدیل سود بانکی با نرخ تورم وارد بحث شده و درصد اثبات ربا نبودن آن در نظام بانکداری اسلامی برآیم؟» و در پایان چنین نتیجه می‌گیرد: «سود بانکی و نرخ تورم در اقتصاد امروز دنیا و کشورها، رابطه همبسته دارند، با این تذکر که سود بانکی متغیر وابسته و نرخ تورم متغیر مستقل است. تا زمانی که دولت به جای اتخاذ و اجرای سیاست‌هایی که به کاهش نرخ تورم منجر شود، به صدور دستور و زمان برای کاهش نرخ سود بانکی بپردازد، این مشکل همچنان لاینحل باقی خواهد ماند، اما اگر عزم دولت بر کاهش نرخ تورم قرار گیرد و لوازم و مقتضیات چنین هدفی را بپذیرد، آن وقت به راحتی نرخ سود بانکی هم بدون هیچ دستور و زمانی کاهش خواهد یافت.»

خبرویت رییس جدید

در گیرودار این نظریه‌پردازی‌های عمدتاً مخالفت‌آمیز، رییس‌کل بانک مرکزی هم بیکار ننشسته بود. وی که پس از سال‌ها عهده‌داری وظایف مدیریتی در سطوح و مراتب بالای اداری، از مرزهای کارکشتگی گذشته و به خبرویت رسیده است، در این مرحله با ارزیابی شدت و جهت امواج و جریانات آشکار و پنهان ناشی از مطرح‌شدن طرح خود، دست به ابتکار عمل تازه‌ای می‌زند و با درک ریشه درد - و در عین حال، شناسایی داروی اصلی درد - برای مشروعیت‌بخشیدن به طرح خود به

چرا باید در اقتصاد ایران
نرخ تورم دورقمی
نهادینه شده به مدت ۳۰
سال تداوم داشته باشد؟

آیت‌الله‌العظمی مکارم
شیرازی: در مورد کلیه
بدهی‌هایی که زمان زیادی
بر آنها گذشته، با پرداختن
مبلغ سابق - بدون افزودن
مقدار تورم متوسط اشیاء -
برائت ذمه حاصل نمی‌شود
و ادای دین صدق نمی‌کند.